

## پرونده اتمی جمهوری اسلامی جمهوری اسلامی و بن بست "غنی سازی"

بقیه از صفحه اول

بعد از توافق اجلاس مشورتی ۵ عضو دائم شورای امنیت و دولت آلمان در لندن، گزارش پرونده جمهوری اسلامی به شورای امنیت دیگر قطعی بود. روز چهارم فوریه اجلاس شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی، با رای ۲۷ کشور از مجموع ۳۵ کشور عضو این شورا، تصمیم به گزارش پرونده هسته ای جمهوری اسلامی به شورای امنیت سازمان ملل گرفت و هشدار دیگری به جمهوری اسلامی داد. از اعضای شورای حکام فقط ۵ کشور (الجزایر، بلاروس، اندونزی، لیبی و آفریقای جنوبی) به این قطعنامه رای ممتنع و ۳ کشور (کوبا، سوریه و ونزوئلا) رای منفی دادند. اکنون با این تصمیم، پرونده جمهوری اسلامی تا ارجاع به شورای امنیت یک گام بیشتر فاصله ندارد.

واکنش جمهوری اسلامی به این تصمیم، اعلام پرسر و صدای از سرگیری تمامی فعالیت های مربوط به غنی سازی اورانیوم بود. سخنگویان رژیم بلافاصله بعد از تصمیم آژانس بین المللی انرژی اتمی خواهان لغو پروتکل الحاقی شدند. رئیس جمهور حکومت محمود احمدی نژاد با صدور بیانیه ای از «مردم شریف» تقاضا کرد تا در «ایام عزای حسینی» و «و به ویژه در یوم الله بیست و دوم بهمن نظر خود را در مورد حق ملی برخوردار از انرژی هسته ای که کمتر از حق ملی شدن صنعت نفت نیست با صدای بلند و رسای خود ابراز دارند».

برخلاف تبلیغاتی که جمهوری اسلامی راه انداخته است، مساله جامعه بین المللی با این حکومت، نه داشتن یا نداشتن «حق استفاده از انرژی هسته ای» بلکه تردید در اهداف استفاده از این انرژی است. تاکید آژانس بین المللی در گزارشات خود، همواره بر این امر بوده است که دولت جمهوری اسلامی فعالیت های اتمی خود را به موقع و کامل به این آژانس گزارش نکرده است و هنوز هم نقاط ابهام زیادی در چگونگی این فعالیت ها و حد و حدود آن وجود دارد. عدم شفافیت در ارائه گزارش، خود عامل مهمی در اشاعه این باور بوده و هست که اهداف دیگری در استفاده از انرژی اتمی دنبال می شود که با ابهام و عدم شفافیت سعی در کتمان آنها شده است. سوء ظن بین المللی در مورد اهداف برنامه اتمی

جمهوری اسلامی محصول پنهانکاری های اولیه خود رژیم و نیز عدم شفافیت بعدی گزارشات مربوط به فعالیت های اتمی است. البته اظهارات ضد اسرائیلی و نیز به دور از عرف دیپلماتیک احمدی نژاد رئیس جمهور رژیم، بیش از پیش این سوء ظن ها و بی اعتمادی نسبت به پروژه هسته ای جمهوری اسلامی را دامن زده است.

اکنون هر پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل به همراه اکثریت قریب به اتفاق شورای حکام علیه جمهوری اسلامی رای داده اند و با ارائه گزارش پرونده اتمی جمهوری اسلامی به این شورا، در صلح آمیز بودن آن تردید نموده اند. قدم بعدی می تواند اعلام آن به مثابه خطری برای صلح جهانی باشد. آن چه مسلم است، دول اروپائی و ایالات متحده امریکا مصمم هستند مانع دستیابی جمهوری اسلامی به امکاناتی در عرصه فن آوری هسته ای گردند که می تواند در تولید تسلیحات اتمی به کار گرفته شود. دستیابی جمهوری اسلامی به چنین امکاناتی، صریحا به عنوان خطری برای صلح جهانی ارزیابی شده و هر تلاشی از سوی جمهوری اسلامی برای عبور از این مرز به اقدامی علیه صلح و امنیت بین المللی تلقی می شود.

صحبت در مورد برنامه اتمی جمهوری اسلامی، از این رو نه الزاما بحث بر سر داشتن یا نداشتن «حق استفاده از انرژی اتمی» بلکه بیش از همه حد استفاده از آن است. بحث بیش از آنکه بر سر حق باشد، بر سر سیاست استفاده از این حق است. کوشش جمهوری اسلامی برای دور زدن آژانس بین المللی انرژی اتمی طی سال های متمادی گذشته و گزارش ناکافی و ناقص و غیر شفاف آن به این مرکز بین المللی و امتناع از گشودن در تمامی مراکز اتمی خود، به بهانه نظامی و امنیتی بودن برخی از این تاسیسات که در اختیار سپاه و نیروهای مسلح قرار دارند، در کنار سیاست های تنش زا و اظهارات ضد اسرائیلی و ضد آمریکائی مقامات رسمی حکومت اسلامی جائی برای پذیرش صلح آمیز بودن «استفاده» جمهوری اسلامی از «انرژی اتمی» باقی نگذاشته و جامعه بین المللی را به سوی اقدامات بازدارنده سوق داده است. جمهوری اسلامی دو راه بیشتر در پیش رو ندارد: (۱) عقب نشینی از مواضع تاکنونی، به تعلیق درآوردن داوطلبانه تمامی روندهای منجر به غنی سازی اورانیوم به همان ترتیبی که در توافق پاریس آمده است و ادامه بدون قید و شرط مذاکره با اروپا از همان جائی که متوقف شده بود (۲) ادامه همین سیاستی که طی چند ماه گذشته در پیش گرفته است و ایستادگی و گردن کشی در مقابل نهادهای بین المللی و دول ذی نفوذ در آن ها. در صورت اول ارجاع پرونده به شورای امنیت تا مدت زمان درازی منتفی خواهد شد.

اما در صورت ادامه مسیر دوم راه بازگشت هر روز مسدودتر و شرایط بین المللی برای ادامه حیات برای جمهوری اسلامی هر روز دشوارتر از پیش خواهد شد. از رهگذار این کشاکش منافع و آینده کشور و مردم ایران نیز در معرض خطرات جدی و جبران ناپذیری قرار خواهند گرفت.

رژیم جمهوری اسلامی تاکنون مسیر دوم را در پیش گرفته است. غنی سازی اورانیوم را خط قرمز خود اعلام کرده و دم از حق «ملی» غنی سازی اورانیوم می زند و کار امثال احمدی نژاد و لاریجانی را با اقدام دولتمردانی چون مصدق در ملی کردن صنعت نفت مقایسه می کند و مردم را به دفاع از این «حق» فرا می خواند.

اولا مشکل برنامه اتمی جمهوری اسلامی غنی سازی نیست. جدا از این که غنی سازی اورانیوم از طریق تکنولوژی تهیه شده از بازار سیاه تا چه حد اقتصادی و مقرون به صرفه است، این یک حقه بازی محض است که بر سر این «حق» این همه تبلیغ می شود.

چگونه می شود پذیرفت که خط قرمز این «حق» در مورد نیروگاه بوشهر عبور پذیر بوده و این «حق» در مورد تهیه اورانیوم غنی شده از روسیه زیر پا گذاشته و قرارداد هم بسته می شود ولی در مورد فلان نیروگاه دیگر، این کار آن چنان حیاتی است که باید بر سر حفظ این «حق» تا شورای امنیت و تحریم های اقتصادی و سیاسی و چه بسا حملات نظامی هم پیش رفت و حفظ این «حق» را به توجیهی برای قرار گرفتن در مقابل تمامی دول مهم دنیا تبدیل کرد. پس برخلاف تبلیغاتی که به خورد مردم داده می شود، سران حکومت سودهای دیگری در سر می پروراندند.

ثانیا، دغدغه جمهوری اسلامی دغدغه «حق ملی» و منافع «ملت» و کشور نیست. این امر نیاز چندانی به اثبات ندارد. در دعوای این حکومت با تمام دنیا منافع مردم کوچک ترین جائی ندارد. همه می دانند که مهم ترین خواست حکومت در مذاکره با اروپا تضمین امنیت «نظام جمهوری اسلامی» بوده است. حملات لفظی و دشنام به دولت اسرائیل و انکار کشتار یهودیان در جریان جنگ دوم جهانی از سوی رئیس جمهور حکومت هم ربط چندانی با منافع مردم و مشکلات روزمره آن ها ندارد. حکومتی که اولیه ترین حق مردم در انتخاب آزادانه راه و رسم زندگی را زیر پا می گذارد، طبیعی است که این حق را تا بدین حد تقلیل داده و اصرار خود بر غنی سازی اورانیوم با وسائل خریداری شده تنها «حق ملی» بشناسد و در حالی که نویسندگان کشور را سال هاست که از حق داشتن یک سالن برای تجمع محروم نموده است،

بقیه در صفحه ۸

## سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران